



نشریه دانشجویی بسیج خوابگاه‌های دانشگاه تهران شماره پنجم اسفند ماه ۱۴۰۰

خرید سربازی

هزینه خرید سربازی برای مشمولین:

مشمولین با مدرک کارشناسی و کمتر

۲۵۰ میلیون تومان



مشمولین با مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد

۴۰۰ میلیون تومان



مشمولین با مدرک دکتری

۶۰۰ میلیون تومان



مشمولین متاهل به ازای هر فرزند

۲۰ درصد تخفیف

سقف تخفیف ۶۰ درصد



فهرست

بشری حقوق!

مالیات امنیت

راهیان از دور

ممکن ناممکن

شناخلاف جهت آب

برجام؛ توافق خوب، بد، زشت؟



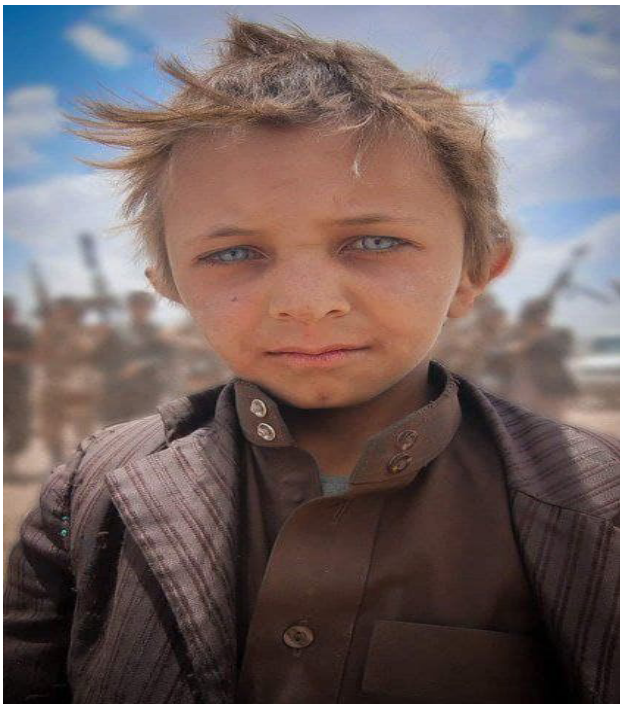


بشر بی حقوق!

● سخن سردبیر

بعدی باشد، ولی آیا به راستی چه می شود که جنگی ۸ ساله بر علیه کشوری چون یمن آغاز می شود و کودکانی کشته و معلول می گردند، خانواده هایی آواره می گردند و شدیدترین جنایات جنگی رخ می دهد، ولی هیچ کشور اروپایی دم از حقوق بشر و تحریم متجاوز نمی زند؟ بشر در قاموس غرب و اروپا چه رسته ای از انسان ها را شامل می شود؟ آیا باید بپذیریم که وجدان انسان ها خود را به خواب عمیقی زده است؟ اگر بخواهیم منصف باشیم باید گفت که پاسخ همه ی این تناقضات در یک کلمه جمع گردیده است و آن کلمه چیزی جز رسانه نیست. در این شماره از نشریه میزبان نگاه های گرم شما خواهیم بود و نگاهی مختصر به مهم ترین دغدغه ی دانشجویان فارغ التحصیل، مذاکرات وین، مفهوم جهاد تبیین، فلسفه راهیان نور و نیز به وضعیت آشفته بازار خودرو می اندازیم و حاصل ذوق و اندیشه خود در این زمینه را در طبق اخلاص قرار می دهیم.

«وقتی انسان ببری را بکشد، نامش را تمرین مردانگی می گذارند. ولی وقتی ببری انسان را بدرد، نام این کار را توحش و آدمخواری می نهند؛ تفاوت جنایت و عدالت هم در قاموس بشر از این بیشتر نیست. جرج برنارد شاو»
به راستی که انسان در بند تاویلات و تفاسیر خود از پدیده های اجتماعی است و انسان هیچ گاه قاضی خوبی نبوده است! شاید خود عاقل بینی ذاتی انسان ها است که چنین برایندی دارد و نمود آن را در مکاتب مختلف علمی، مذهبی، سیاسی، اخلاقی و مانند آن شاهد هستیم. اما گاهی این برداشت های ناقص و معیوب بشر نتایج مضحک و بعضا فجیعی در پی دارد. ایتالیایی ها ضرب المثلی دادند که «حقیقت، دختر زمان است» دیر زمانی «حقوق بشر»، «آزادی» و «دموکراسی» دست مایه و بازیچه ای بودند برای تاختن بر ایران اما کم کم ماهی که پشت ابر بود، رخ نمود. چنانچه حقایق زیر پوستی فراوانی در اتفاقات اخیر روسیه و اوکراین ملموس و مشهود بود. حقیقتا تبعیض های غیر مستقیمی که از سوی مدعیان حقوق بشری علنا ابراز و اعمال می شود و نیز استنادات های دو گانه ی آن ها در به رسمیت شناختن حقوق بشر انسان ها عین تناقض است. چند روزی از جنگ روسیه و تهاجم این کشور بر اوکراین نگذشته بود که شدید ترین تحریم های اقتصادی و سیاسی و حتی ورزشی! بر علیه روسیه وضع گردید. در حالیکه گویا می بایست ورزش از سیاست دور می بود! فارغ از اقدامات کشور های حق به جانب غربی و اروپایی بر علیه روسیه که اتفاقا هم چه بسا مانع استواری برای جنگ ها و تجاوزات





مالیات امنیت

«الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة»

بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۶۵

شود. لذا لازم است حداقل برای یک بار با نگاه صرفاً اقتصادی مسئله تامین امنیت و راهکار آن یعنی سربازی را مورد تحلیل قرار دهیم و راجع به تخصیص منابع، هزینه های پنهان اقتصادی، مالیات امنیت و نقطه شروع اصلاح قانون سربازی و خرید خدمت سربازی نکاتی را مورد تحلیل قرار دهیم. انسان ها به واقع سرمایه هایی بالقوه هستند و منابع انسانی با ارزش ترین منبع هر سازمان است. در مقام تشبیه می توان گفت انسان ها مانند معادنی هستند و همان طور که معادن باید کشف شوند، استعدادها و ظرفیت منابع انسانی نیز باید کشف شود. در نگاه اقتصادی افرادی که توانایی انجام فعالیت های اقتصادی و دارای مهارت و تخصص هستند و میتوانند ارزش افزوده بالا ایجاد کنند، گل سر سبد اقتصاد محسوب میشوند و موتور محرک اقتصاد هستند.

نامحدود بودن نیازهای انسان و محدود بودن منابع باعث شکل گیری علم اقتصاد شد. از همین جهت تخصیص منابع مهمترین مسئله علم اقتصاد است. و به این معنی است که انسان چگونه از منابع محدود (سرمایه، نیروی کار و زمین) استفاده کند که حداکثر نیازهای خود را رفع کند. تامین امنیت کشور نیز یکی از مهمترین نیازهای هر حکومتی است که باید توسط همان کشور برطرف





و همه افراد باید هزینه ای را بابت امنیتی که دولت برایشان ایجاد می کند، پردازند. اما این پرداخت مالیات به شکل فعلی از نگاه اقتصادی اصلا کارآمد نیست.

راهکار ما آزاد شدن خرید سربازی و داوطلبانه شدن سربازی است. به طوری که فرد این اختیار را داشته باشد که انتخاب کند که برای پرداخت مالیات امنیت به سربازی برود یا آن را با مبلغی بخرد.

سوالی که اینجا مطرح می شود این است که آیا این راهکار عادلانه است؟ کسی که نه پولی برای خرید سربازی دارد و نه علاقه ای هم به سربازی رفتن چه کند؟ و تکلیف چیست؟

تشریح راهکار: طبق آمار حدود ۷۰ درصد غایبین و افراد فراری از خدمت سربازی از دهک درآمدی پایین جامعه هستند. اما چرا؟ چون این پسر جوان احتمالا یا اغلب پدری بازنشسته و پیر دارد و یکی از مهمترین یا حتی شاید تنها منبع درآمدی خانواده است. لذا اندک حقوق سربازی (که البته خوشبختانه طی یک سال اخیر بیشتر شده است) نمی تواند کفاف هزینه های یک خانوار را بدهد. همچنین افرادی که جز قشر بالای درآمدی جامعه هستند، دغدغه بسیار کمتری نسبت به خدمت دارند چرا که این افراد یا به واسطه ارتباطات خود یا با خرید غیر قانونی سربازی، به اصطلاح قانون را دور می زنند. حتی اگر سربازی هم بروند دغدغه ای برای شروع کار و تامین سرمایه ندارند و راحت وارد بازار کار می شوند.

طبق نظر سنجی گرفته شده از دانشجویان دانشگاه تهران، افرادی هستند که حاضر به پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید خدمت و نیز افراد حاضر به رفتن سربازی در ازای دریافت ماهانه ۸ میلیون تومان هستند. قطعا این نظر سنجی و این اعداد اعتبار بالایی ندارد اما می توان این نتیجه را گرفت که در صورت افزایش حقوق سربازی، طبعا افرادی هستند که حاضرند داوطلبانه به خدمت بروند و حتی چه بسا این کار را به عنوان شغل خود انتخاب کنند.

تا به اینجا فهمیدیم که تخصیص درست منابع تاثیر بسیار مهمی در رفع نیازها دارد و یکی از مهمترین منابع هر کشوری نیروی انسانی آن است. به خصوص نیروی انسانی جوان و با استعداد؛ و البته یکی از نیازهای اساسی و عمومی کشورها تامین امنیت است و یکی از اصلی ترین منابع رفع این نیاز، نیروی انسانی است.

سوالی که اینجا مطرح می شود این است که ما چگونه این نیاز را با حداکثر کارایی توسط نیروی انسانی خود رفع کنیم؟ ابتدا لازم است قانون فعلی سربازی را بررسی کنیم و ببینیم آیا روش به کار گرفته شده بهینه است یا نه؟ احتمالا جواب منفی است. اما برای درک بهتر باید هزینه های پنهان اقتصادی سربازی را تحلیل کنیم.

از یک سو کاهش رشد اقتصادی کشور منجر شده است که هزینه فرصت سربازی برای فردی که دارای تخصص و مهارت است بسیار گران تمام شود چرا که وی می تواند در این دو سال چندین برابر ارزش افزوده ای دوران خدمت که تقریبا صفر است، خلق ارزش کند. از سوی دیگر افزایش هزینه دولت به دلیل آموزش سربازان جدید، افزایش هزینه کشور به دلیل ادامه تحصیل دانشجویانی که صرفا برای فرار از خدمت به تحصیل می پردازند، فرار افراد نخبه کشور به خارج از کشور و تبدیل شدن نیروی متخصص به نیروی کار ناتوان بدین صورت که کسی که بعد از ۴ سال کسب مهارت و علم در دانشگاه، سربازی می رود، بعد از ۲ سال همه علم و مهارت او از دست می رود و باید از صفر شروع کند و تجربه این موضوع را اثبات کرده است؛ همه ی این عوامل و بسیاری از هزینه های فرهنگی و اجتماعی دیگری که شاید بشود یک کتاب راجع به آن نوشت، همگی از معایب سربازی اجباری فعلی می باشند.

و اما راهکار چیست؟

ابتدا باید به این نکته اشاره که طبق گفته مسئولین امر، سربازی مالیات امنیت است.



داوطلبانه حق انتخاب داشته باشند.

نکته جالب این روش این است کسی که حقوق ۸ میلیونی سربازی را قبول نکرده و حاضر شده هر ماه قسط بدهد، انگیزه می گیرد که حتما سریع وارد بازار کار شود و در واقع این کار نوعی محرک اقتصادی است. جالب تر از آن این است که کسی که این حقوق را قبول نکرده است، یا توانایی این را دارد که حقوق بیشتر از این را خلق کند یا تمام تلاش خود را می کند که این کار را انجام دهد، که هزینه فرصت از دست دادن این حقوق برایش کاهش پیدا کند و حسرت نگرفتن این حقوق را نخورد.

بی تردید روش مذکور نواقص بسیاری دارد و نقد هایی بر آن وارد است چرا که صرفا زائیده ذهن کسی است که با غول بی شاخ و دم سربازی مواجه شده است؛ به این امید که اوضاع کشورمان بهتر شود و از با ارزش ترین سرمایه کشور حداکثر استفاده شود.

محمد امین قاسمی | مدیریت مالی ۹۷



و نیز افرادی هستند که چون از دانش و مهارت خود بهره بالاتری کسب می کنند، حاضرند خدمت سربازی را بخرند. نکته جالب توجه این است که با این راهکار منبع مالی افزایش حقوق سربازی تامین می گردد و اصلا نیازی نیست که دولت برای تامین منابع آن به دنبال خلق نقدینگی و تورم باشد. حالا مزایای این کار چیست؟

- **ایجاد اشتغال واقعی و رفع بیکاری** افرادی که حاضرند داوطلبانه این کار را به عنوان شغل دائمی خود انتخاب کنند.

- **کاهش هزینه های آموزش سربازانی** که هر دو سال تغییر می کنند.

- **افزایش رشد اقتصادی** از طریق انجام فعالیت اقتصادی کارآمدی که افراد حاضر شدند آن را بخرند.

- **افزایش درآمدهای مالیاتی** با بیشتر شدن فعالیت های اقتصادی

- **افزایش کارآمدی نیروی کار.** زیرا وقتی قیمت نیروی برای دولت بسیار ارزان باشد، دولت هیچ انگیزه برای کارآمد کردن ساختار خود ندارد و کارهای حداقلی از سربازان میخواد اما وقتی نیروی کار گران شود و هزینه فرصت آن زیاد شود، دولت سعی می کند از حداقل نیروی کار استفاده کند و هم ساختار خود را کارآمد تر کند. اما اساسی ترین سوال اینجا است که راهکار ما برای افرادی که نه پول دارند به سربازی بروند و نه تمایل دارند که سربازی بروند چیست؟

همان طور که گفتیم امنیت نیاز عمومی کشور است و همه افراد باید ما به ازای امنیتی که دولت برایشان فراهم می کند مالیات آن را حداقل یک بار بپردازند. اما فردی که پول ندارد چه کند؟

وام خرید خدمت سربازی! راهکاری است که این افراد می توانند از آن استفاده کنند. یعنی در واقع دولت به جای این که یک دفعه کل پول خدمت سربازی را از فرد بگیرد آن را در چندین قسط طی چند سال از فرد می گیرد. این کار این حق انتخاب را حتی به افرادی که نه پول دارند و نه تمایل به رفتن خدمت فراهم می کند که



از حقایق خوش است.. اما حرکت به سمت مسیری که لحظه لحظه اش روشنایی باشد، دقیقا همان چیزی است که به آن نیاز داریم. خودمانیم! ما از جنگ فاصله ی زیادی گرفته ایم، و هر حقیقت نابی با نشستن غبار زمان، می تواند به تحریف و دگرگونی دچار شود. در این میان، چه چیزی بیشتر از لمس حقیقت از نزدیک ترین زوایای آن، می تواند روایات تحریف یافته و نگاه های ناصواب را اصلاح نماید؟ به نگاه دیرینه ی ما، خاک اصالت دارد، شناسنامه دارد، هویت تعریف می کند. سرزمینی که از جان دوست ترش داشته ایم، در روزگاری سخت، قربانی می خواسته تا بتواند به نفس کشیدنش ادامه دهد. و امروز، با تلفیقی از ذرات کوچک خون، هنوز پابرجاست. باید این را باور کنیم که هرچند زخمی و پر التهاب، اما به حیاتش ادامه داده.. و کدام عقل و قلب سلیم است که عظمت این ذرات کوچک سرخ را انکار کند؟

راهیان از دور

«هین سخن تازه بگو، تا دو جهان تازه شود..»

زمانی که یک موضوع را بارها و بارها می شنویم، نوعی تصویر کلیشه ای از آن در ذهن ما نقش می بندد. عموماً ذهن از کلیشه ها فراری است و در بهترین حالت، آنها را سطحی و خالی از محتوا تلقی می کند. حال چگونه می توان حقیقت پنهان در کلیشه را دریافت؟ هیچ عنصری در جهان نیست که از زاویه ای دور بتوان به اعماق حقیقت آن پی برد. چه رسد به مفاهیمی که جز قلب، نمی پذیرد و جز روح، درک نمی کند. عناصری همچون شهید، نور، مقدس، دفاع، راهی شدن... و حالا اصلاً چرا داریم میرویم؟ و کجا؟ و مگر بقیه ی جهان، تاریک است که نامش را گذاشته ایم «راهیان نور»؟ اگر از ما بپرسند: اوضاع چطور است، خواهیم گفت: خدا را شکر، یک «نور بخور و نمیری» داریم! یعنی هنوز دلمان به اندک بهره ای



میان جنگ ظلمت و نور. کمک می کند مفهوم «جنگ» را با تمام اجزای وجودت حس کنی، و رد پای ترکش هایش را حتی در همین سالها پی بگیری.. بفهمی این راه هنوز هم قربانی می خواهد، که جنگ هنوز تمام نشده و اگر دیر بجنبیم، هر لحظه سایه ی ظلمت بر سرمان سنگین تر می شود.. خلاصه بگویم:

باید باور کنیم که این خاک، هرچند زخمی و پر التهاب اما به حیاتش ادامه داده.. و کدام عقل و قلب سلیم است که عظمت این ذرات کوچک سرخ را انکار کند؟..

فاطمه یوردخانی | علوم قرآن و حدیث ۹۸

قریب به ۲۰۰ هزار جان آدمی، که شریف بودند به اندازه ی ما، بلکه هم بیشتر... قریب به ۴ هزار جان دانشجو، که رویا داشتند به اندازه ی ما، بلکه هم والاتر... راهیان نور، سفری به قلب تاریخ است، به تو این امکان را می دهد که بر روی پرحادثه ترین خاک های سرزمینت قدم بزنی، نفس بکشی، خوب خوب ببینی، و این بار تنها تو قضاوت کنی که حق کدام طرف ایستاده، و نور از کجا در حال تابیدن است! فرصت ناب تماشای حقیقت از نزدیک ترین زاویه، یک «غنیمت جنگی» است که به ارث برده ایم. راهیان، ما را از دل روزمره ها بیرون می کشد، و می برد درست در



کیلومتری با انحراف دو متر یا پنج متر به هدف بخورد؟ خب آن مغزی که میتواند این کار را بکند، در موارد گوناگون دیگر هم میتواند؛ مثلاً فرض کنید که سطح موتور خودرو را با یک پیشرفتی بالا برد که فرض کنیم مصرفش کم بشود. سخنرانی نوروزی رهبری مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۰۱ « با وجود حمایت زیاد از صنعت خودرو در کشور، کیفیت خودرو خوب نیست. مردم

ممکن نا ممکن

صنعت خودرو همواره زبانزد خاص و عام بوده و در لیست وعده های بعضا ناممکن روسای جمهور خوش درخشیده حتی رهبری بارها در مورد کیفیت و مصرف سوخت آن تاکید کرده اند. « خب، این کار کوچکی است که موشک بُرد بلند را جوری تنظیم کنند که در دوهزار

به مردم برسد؟ وقتی که همچنان شاهد ناتوانی خودروسازان در تولید متناسب با نیاز بازار هستیم آیا بهتر نیست دولت به جای اعمال دستور به سمت نظارت برود؟ و یا نیز مجلس بجای کسب درآمد از واردات خودروهای میلیاردی به دنبال ایجاد بستری مناسب برای ساخت خودروهای ارزان برود؟ با آسیب شناسی نزدیک به ۶ دهه فعالیت خودروسازی در کشور می توان عمق مسئله را در چهار سطح بیان کرد:

سطح اول ارتباط دولت با بحث خودروسازی است. با توجه به واگذاری سهم عمده‌ی دولت در خودروسازان همچنان شاهد دست برتر دولت در تصمیمات شرکت ها هستیم و همچنان مدیران این دو شرکت را دولت تعیین می کند که مسائل و مشکلات عدیده ای را به وجود آورده است.

سطح دوم را می توان به فقدان برنامه ای منظم و بلند مدت برای توسعه صنعت خودروسازی اشاره کرد که در واقع چندان بی ارتباط با عدم ثبات مدیریتی نیز نیست. مدیرانی که بعضاً از مدیران میان رده وزارت صمت بوده و ارتباط نزدیکی با صنعت خودروسازی نداشته اند و نیز دولتی بودن دو خودروساز و به همین ترتیب دست برتر دولت در اتخاذ تصمیمات کلان این شرکت ها، همه و همه مانع برنامه ریزی بلند مدت در این زمینه شده است.

سطح سوم هم مربوط به اداره این شرکت ها و مسائل فسادزایی است که درون آن ها شکل می گیرد که با توجه به مشکلات مالی و زیان انباشته شرکت های خودرو سازی منجر به عدم توسعه متناسب آن ها در رقابت با شرکت های بروز و پیشرو در این صنعت شده است. به طور خاص در زمینه تامین قطعات از داخل و خارج، عملکرد خودروسازان تحت الشعاع قرار گرفته است.

ناراضی اند و درست می گویند و حق با مردم است دیدار رهبری با جمعی از تولیدکنندگان و فعالیت صنعتی مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰»

در این میان مجلس و وزارت صمت برنامه های خود را ارائه داده اند که برنامه های وزارت صمت به صورت کامل ارائه شده اما برنامه مجلس در میانه راه شورای نگهبان و بهارستان به مجمع تشخیص ارسال شده تا نتیجه آن حاصل شود. عمده مشکلی که خودروسازان با آن دست و پنجه نرم می کنند، بحث زیان انباشته و نقدینگی است که ماحصل آن را می توان در کیفیت نهایی و تولید ناقص خودروها دید که از آن طرف دغدغه به حق مردم خرید خودرو متناسب با سطح درآمدی آن ها و همینطور مناسب بودن ایمنی و کیفیت نهایی خودرو است. آیا برنامه های فعلی وزارت صمت و همین طور موضوع واردات خودرو که از نگاه مجلس طرح ساماندهی خودرو است میتواند مشکل را حل کند؟ برنامه ای که وزارت صمت ارائه داده، منطبق بر سند چشم انداز ۱۴۰۴ است که چندان وضعیت امروز خودرو را به درستی تحلیل نکرده است؛ تولید ۳ میلیون خودرو تا ۴ سال آینده، درحالی که خودروسازان به برنامه تولید خود در سال ۱۴۰۰ هم نمی رسند، ممکن نیست و بیشتر از بحث کیفی به کمی آن پرداخته شده است. از صحن مجلس نیز طرح ساماندهی بازار خودرو بیشتر به ساماندهی بودجه دولت شبیه است! چرا که مجلس در طرح واردات خودرو به دنبال درآمد زایی ۶۰ هزار میلیاردی از عائدی واردات خودرو است که با توجه به برنامه ریزی واردات بیش از ۵۰ هزار خودرو در سال آینده، می توان فهمید که خودروهای وارداتی در سال آینده متناسب با سطح درآمدی مردم نخواهد بود و در این صورت ما سال آینده ما مشکلات عدیده ای چه بسا فاجعه بار تر روبرو خواهیم بود. اما سوالی که می توان از جناب وزیر صمت دکتر فاطمی امین پرسید، این است که چگونه سال آینده قرار است خودرو بدون قرعه کشی



به دست مصرف کننده واقعی برسد. همچنین با برنامه ای مشترک میان صنایع مرتبط با خودروسازی و قطعه سازی مانند پتروشیمی و فولاد که نقش موثری در قیمت نهایی کالا دارند با چشم داشتی به آینده خودروسازی می توان اتفاقات خوبی رقم زد. هر چند به دلیل اشتباهات راهبردی در گذشته مشکلات فعلی گریبانگیر صنعت خودروسازی شده است اما نمی توان از سهم این صنعت در موفقیت و شکوفایی صنایع دیگر مانند قطعه سازی و پتروشیمی و فولاد چشم پوشی کرد و با حمایت درست و مناسب و تصمیم گیری درست در سطح کلان مردم را نسبت به آینده این بخش امیدوار کرد.

مهدی پور حسین | مهندسی نفت ۹۸

سطح چهارم بحث عدم رقابت در طی دهه های اخیر است به طوری که دولت همواره از خودروساز به عنوان تولید ملی و حمایت از اشتغال در برنامه های خود حمایت کرده است و از طرف دیگر با اعمال قدرت فشار در تصمیمات خودروسازان سعی بر تعادل بر این حمایت داشته است که متأسفانه هر دوی آن به ضرر خودروساز و ضرر نهایی مصرف کننده منجر شده است و خودروساز را نیز از رقابت واقعی به دور کرده است. اما راه کار چیست؟ اولین مسیری که به نظر می رسد دولت باید طی کند، واگذاری سهم باقیمانده خود به متقاضیان واجد شرایط و نیز تبدیل نگاه خود از دستوری به نظارت باشد و از سمت دیگر واردات خودرو را در گذر زمان تسهیل نماید تا با ایجاد بازار رقابتی خودروی با کیفیت و قیمت مناسب



شنا، خلاف جهت آب

فضای جامعه امروز کشور، با وجود تلاش های معاندین اسلام در جهت ارائه انواع و اقسام «دروغ های حقیقت نما» و تحریف های عوام فریبانه، دچار فقر در استدلال گری و بصیرت است. به طور کلی، جوامع از نظر محیط هایشان به سه دسته تقسیم می شوند؛ محیط متضاد، محیط بسته، محیط متحرک. در محیط بسته، یک نوع اندیشه رواج دارد؛ اما محیط متضاد دارای فضایی است که در آن اندیشه های متضاد و متفاوتی در کف جامعه وجود دارد. در محیط متحرک نیز تضاد وجود دارد؛ اما یک جریان فکری غالب در آن حاکم است؛ مانند اوایل انقلاب اسلامی. هر کدام از این محیط ها برای دور ماندن از ضربه های مخالفان، میزان معینی از مقابله را می طلبند. طبیعتاً هر چه جامعه در حیطه گسترده تری از تضاد ها قرار داشته باشد، مستلزم نیروی بیشتری برای دفع خطرات آن است. جایگاه کنونی کشور ما درست همان محیط متضاد است و چیزی که کاملاً مشهود و ملموس است، فشار ناشی از حجم عظیم تضادها روی جبهه حق طلب است. در این اثنا، فضای رسانه با به کارگیری سیاست های گوناگون عهده دار انتشار گسترده اطلاعات می باشد. بمباران اطلاعات در موقف های زمانی حساس و حیاتی، موجب تشویش اذهان عمومی و سردرگمی افراد جامعه می شود. باید توجه داشت که روشنگری، بصیرت افزایی و مبارزه با جبهه ی باطل، موانع بزرگی را نیز بر سر راه مجاهدین قرار

و ضد و نقیض، شریان های جامعه را درگیر می کند و اگر در همین نقطه مبارزه صورت نگیرد و شفافیت سازی دقیق و روشنگری درستی انجام نشود، تردید و ابهام به بدنه جامعه آسیب می زند و چنان ویروس واگیردار، کل محیط را مبتلا می کند. بدین جهت، بی شک می توان گفت اصلی ترین جهاد برای این جنگ نرم، همین جهاد تبیین، و دقیق ترین زمان برای عملیاتی کردن آن همین برهه تاریخی می باشد؛ هنگامی اطلاعاتی آمیخته با دروغ و تحریف محیط جامعه را ملتهب می کند جز مبارزه جهادی نمی تواند نجات بخش وضع موجود باشد؛ لذا پرواضح است که جهاد تبیین اینک به معنای انتشار صرف اطلاعات صحیح، نمی باشد بلکه حاکی از ارائه حقیقت در شاکله های درست و برنامه ریزی شده ی همراه با دقت نظر است. **«جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است»**؛ این جمله علاوه بر اینکه خبری جدی را صادره می کند، یک وجه مهم تری نیز نیز دارد و آن هم، آگاه سازی و مکلف کردن ما به انجام این فریضه است. حال جای سوال دارد که یک فرد دانشجو که به تعبیر شهید بهشتی، موذن جامعه است، دقیقاً چه کنشی باید نسبت به این مهم داشته باشد؟ پاسخ این است که لازمه ی انجام هر کنشی، کسب آگاهی نسبت به آن است. در وهله اول دانشجو باید با مفهوم جهاد آشنا باشد؛ **«هر تحرکی اسمش جهاد نیست»**، انسان باید بداند که در مقابل دشمن است.





گاهی برای رساندن حقیقت به مردم، استفاده از فضای مجازی ملاک نیست و چه بسا بی فایده است. مخاطب واقعی لازم است، بحث و جلسه و میز گرد و کرسی و تحلیل می طلبد. در واقع باید بدانیم که بخش عظیم و مهمی از کار، جهاد فکری است.

دانشجوی کنشگر باید همان جهادگری باشد که با عزمی راسخ، هر کجا که قرار گرفت، خود را مرکز دنیا بداند، و بداند که اگر در راستای تبیین درست حقایق با دشمن مقابله نکند، جبهه‌ی کفر او را روایت خواهد کرد.

زهرا شجاعی | علوم قرآن و حدیث ۹۸

ارتباط با آمریکا و غرب در قالب مذاکرات هسته‌ای بوده است. به طوری که رئیس دولت یازدهم و دوازدهم اساساً ایده حکمرانی و بزرگترین تمرکز خود را بر روی ارتباط با غرب و آمریکا، در قالب این برنامه دیده بود و حتی با پایان یافتن دوره ریاست جمهوری وی، دولت بعد نیز پیگیر این مسئله و حل این منازعه تاریخی است و در موقعیت فعلی و این روزها، بیشترین زمره‌ها را در برنامه ترمیم برجام یا همان مذاکرات وین می‌شنویم. در این نوشتار، نویسنده قصد توضیح بیشتر تاریخچه مذاکرات و حواشی مرتبط با آن را ندارد و تمرکز خود را بیشتر بر موقعیت فعلی مذاکرات و ابعاد آن می‌گذارد. با توجه به توضیحات داده شده، مسئله ارتباط ایران با آمریکا، دارای اهمیت و تأثیرات انکار نشدنی در تاریخ نظام جمهوری اسلامی ایران و موقعیت آن دارد. در این نوشته این مسئله از دو بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت

برجام؛ توافقی خوب، بد، زشت؟

حدود دو دهه است که مسئله مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا مطرح شده است و هر بار با ترکیب متفاوتی از تیم مذاکره‌کنندگان ایرانی و آمریکایی، جلساتی برگزار گردیده که بزرگترین ماحصل آن، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، بوده است که در تیر ۱۳۹۴ منعقد و در اردیبهشت ۱۳۹۷، با خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، و سپس کاهش اقدامات ایران، به سرانجام نرسید. که بزرگترین ماحصل آن، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، بوده است که در تیر ۱۳۹۴ منعقد و در اردیبهشت ۱۳۹۷، با خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، و سپس کاهش اقدامات ایران، به سرانجام نرسید. با مرور تاریخ ۴۳ ساله نظام جمهوری اسلامی، متوجه خواهیم شد که بزرگترین مسئله سیاست خارجی دهه گذشته در بین افکار بین‌الملل و سیاسیون وقت، مسئله





قطب و محور و پشتوانه احساسات اسلامی در دنیاست و آمریکا می‌کوشد با طرح مذاکره با ایران این قطب را از مسلمانان گرفته و خیال خود را از بابت آن‌ها راحت نماید.»
و دامنه آن بسیار گسترده تر و در سطح بین تمدنی رخ داده است. به طوری که بارها امامین انقلاب و مسئولین کشور، در سخنان خود به این تقابل عمیق و استراتژیک نظام اشاره کردند و عملاً انقلاب اسلامی ایران را، مقدمه ای در جهت ساختن تمدن نوین اسلامی و در تقابل مستقیم با تمدن فعلی غرب قرار دادند. این تقابل تمدنی و تاثیر مستقیم آن در مذاکرات، را می‌توان در سخنان خرداد ۱۳۸۱ رهبری دید که می‌فرمایند: «ایران قطب و محور و پشتوانه احساسات اسلامی در دنیاست و آمریکا می‌کوشد با طرح مذاکره با ایران این قطب را از مسلمانان گرفته و خیال خود را از بابت آن‌ها راحت نماید.»

منازعه تمدنی ایران و آمریکا

بعد از انقلاب اسلامی، بسیاری با باور آن که این انقلاب نیز، صرفاً تغییری در افراد در راس قدرت و تغییر رنگ حکومت است، به دنبال ترمیم روابط از هم گسیخته جمهوری اسلامی ایران با بقیه کشورها و از جمله آمریکا بودند. اما با گذشت زمان و ارائه نقطه نظرات موسسان و حامیان این انقلاب، این گفتمان پدیدار شد که اساساً این تقابل، تقابلی همانند بقیه اختلاف نظرها و تغییر رویه های ظاهری نبوده است و دامنه آن بسیار گسترده تر و در سطح بین تمدنی رخ داده است. به طوری که بارها امامین انقلاب و مسئولین کشور، در سخنان خود به این تقابل عمیق و استراتژیک نظام اشاره کردند و عملاً انقلاب اسلامی ایران را، مقدمه ای در جهت ساختن تمدن نوین اسلامی و در تقابل مستقیم با تمدن فعلی غرب قرار دادند. این تقابل تمدنی و تاثیر مستقیم آن در مذاکرات، را می‌توان در سخنان خرداد ۱۳۸۱ رهبری دید که می‌فرمایند: «ایران





مذاکرات وین

که البته طرف آمریکایی این را تصمیم را در حوزه اختیارات خود نمی‌داند و مخالفت جدی‌کنگره را با آن مطرح می‌کند و با توجه به ساختار حقوقی و سیاسی آمریکا چنین درخواستی عملاً قابل اجرا نخواهد بود و گویا طرف ایرانی هم به این موضوع واقف است.

۲) عدم اجرای مرحله ای توافق

که به اجرای گام به گام تعهدات طرفین مربوط می‌شود و عملاً پینشهاد لغو تمامی تحریم‌ها را نقض می‌کند. طرف ایرانی اجرای همزمان لغو تحریم‌ها را در نظر دارد. اما طرف آمریکایی حاضر به انجام آن نیست.

۳) ابعاد رفع تحریم

در این مورد نیز برای طرفین مورد اختلاف است که کدام تحریم‌ها و با چه عنوانی لغو شود و عملاً اختیار آمریکا را برای تغییر گروه‌های تحریم، و انتقال آن به ابعاد حقوق بشری و منطقه ای محدود می‌کند. در هر سه مورد، به نظر می‌سد طرفین اختلافات جدی با یکدیگر دارند و هر توافقی منجر به کوتاهی این موارد می‌شود و عملاً تیم ایرانی نمی‌تواند بدون دادن امتیاز و یا حتی رد شدن از خط قرمزهای عنوان شده، توافقی را حاصل کند. باتوجه به مطالب گفته شده، نظر به این است که اولاً هدف غایی آمریکا از توافق، نه فقط گریز هسته ای و اقدام برای دوری ایران از دستیابی به سلاح هسته ای است، بلکه جلوگیری از فعالیت‌های منطقه ای و بعضاً تمدنی آن است. هم چنین هدف ایران نیز لغو تحریم‌ها فقط به واسطه کاهش غنی سازی‌های هسته ای و حول تصمیماتی حول همین محور است. پس در گام اول اساساً با

مذاکرات وین که این روزها خبرهای زیادی در رسانه‌های داخلی و خارجی از آن منتشر می‌شود، به طور رسمی از لحظات پایانی دوره دولت دوازدهم و به امید ترمیم و بازگشت دوباره طرفین به میز مذاکره و برجام انجام شد که در نهایت علی‌رغم صحبت‌های متعدد و فشارهای دولت وقت، این جلسات به مدیریت سید عباس عراقچی به نتیجه نرسید. با شروع دولت سیزدهم و استقرار تیم جدید وزارت خارجه نیز صحبت‌های برگشت ایران به میز مذاکره دوباره طرح و در نهایت این مذاکرات که به مذاکرات وین معروف است در آذر ماه امسال شروع و هنوز در جریان است. طی چند ماه گذشته بارها از سوی مقامات ایرانی و خارجی، خبرهایی مبنی بر نزدیک بودن توافق و به نتیجه رسیدن جلسات طرح شده است و واکنش‌های مختلفی را در پی داشته است. از واکنش‌های اقتصادی گرفته تا هشدارهای مجلس شورای اسلامی و افراد صاحب نظر. همچنین برخی از افراد حصول توافق را بسیار نزدیک و در گام‌های نهایی دیدند که امکان به نتیجه رسیدن آن را در پایان سال جاری نیز داده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به نزدیک شدن زمان حصول توافق نهایی، اختلافات اساسی خود را بهتر نشان داده‌اند و شامل چند مورد محدود اما حیاتی هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) تضمین عدم خروج از برجام

در این فقره ایران خواستار تضمین آمریکا برای عدم خروج یکجانبه از برجام است و خروج ترامپ و مشکلات فعلی را یادآوری می‌کند.





در نهایت باید مسئولین جمهوری اسلامی ایران و تیم فعلی مذاکرات انتخاب کنند که اساساً نگاه بلند مدت و مسیر اصلی را با وجود هزینه های مشخص آن مد نظر دارند و یا باز هم همچون دولت و تیم قبلی مذاکرات، برجام را علی رغم صحبت های خود، محور تصمیمات خود برمی گزینند.

محمد حسین افیونی زاده | منابع انسانی ۱۴۰۰

توجه به هدف بنیادین طرفین، توافق با این شکل در بلندمدت پاسخگو نخواهد بود. ثانیاً بر فرض نگاه کوتاه مدت و میان مدت به توافق و عزم دوباره مسئولین برای انجام آن، توافقی مثل برجام با این ابعاد، مطلوبیت مناسب را برای ایران و منافع آن نخواهد داشت و دیر یا زود ایران دوباره به مشکل خواهد خورد.

مذاکره

نقطه خیالی

من با مذاکره کردن مخالف نیستم؛ مذاکره کنند؛ تا هر وقت میخواهند مذاکره کنند؛ من معتقدم باید دل را به نقطه های امیدبخش حقیقی سپرد، نه به نقطه های خیالی، آنچه لازم است این است.